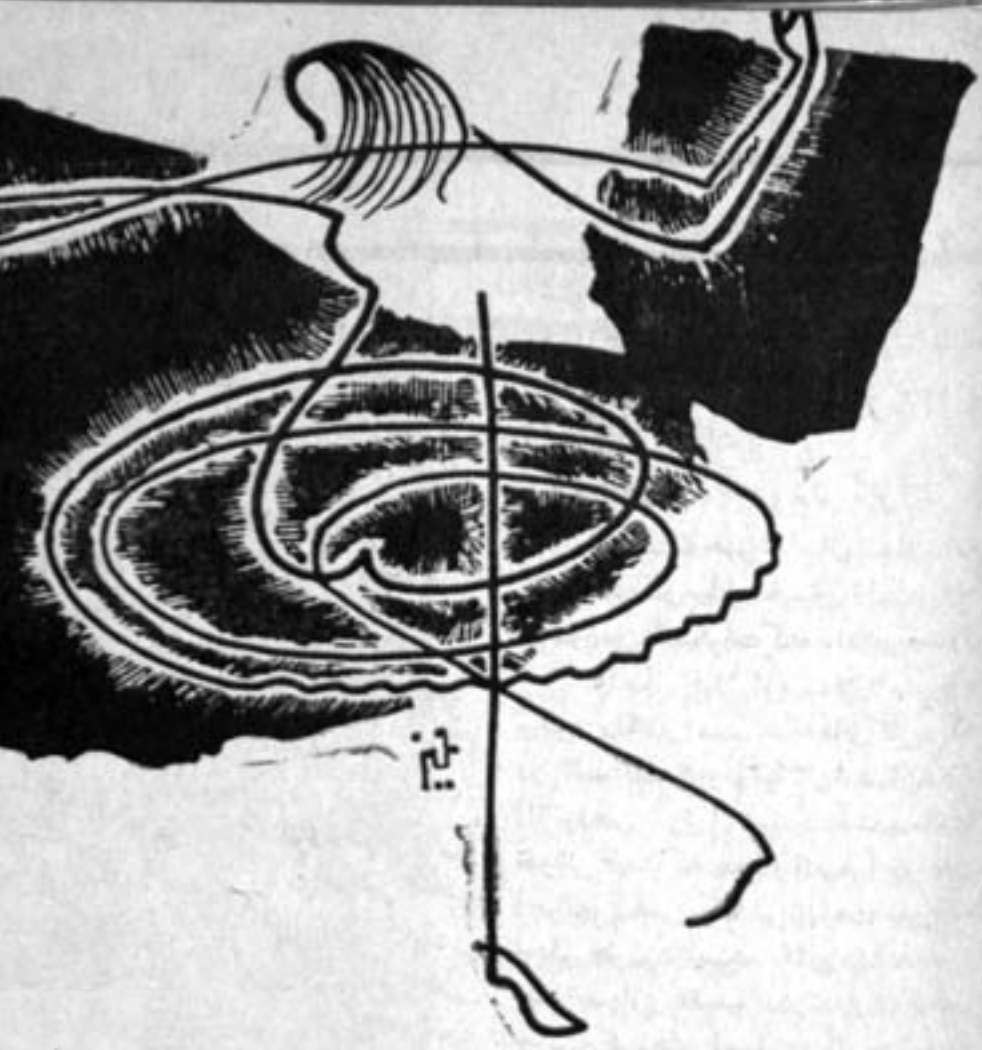


رقص در جامعه ما



از: فرخ صفوی

نویسنده مقاله از همکاری‌های صمیمانه آقایان دکتر هاگوپیان رئیس اداره انتشارات و روابط بین‌المللی هنرهای زیبا و نژاد احمدزاده رئیس هنرستان ملی باله ایران در تهیه این مقاله صمیمانه تشکر مینمایم.

هنری پدیدار می‌شود...

عاقبت خدایان تصمیم گرفتند یکی از اعمال حیرت انگیز خود را به بشر فانی بیاموزند. این کار حیرت انگیز رقص دلاویری بود که نخستین بار هندی‌نوی مقدس بنام «بهاراتامولی» که ۱۰۰۰ سال پیش از «براهما» و «شیوا» خدایان خویش فرا گرفت و آنرا پسران خود آموخت ... و بدین ترتیب انسان فانی نیز به هنر رقص آشنا گردید.

و در عین حال قبل از همه آنها، از «بازی» بوجود آمده است.

در حقیقت ریشه عالیترین رقص‌های امروزی ماجست و عزیزهای نشاط آورو سرگرم کننده‌ای است که اجداد اولیه ما آنرا با شعرهای خود هم‌آهنگ می‌ساختند.

ریبو رقص را منشأ تمام هنرهای زیبا میدانند.

او می‌گوید نقاشی، آواز، موسیقی و آرایش بر روی بدن رقصان بوده و

سپس به اشیاء دیگر منتقل شده است حتی هنر معماری نیز ابتدا جهت ایجاد سالون‌هایی برای انجام رقص‌های دسته جمعی بوجود آمده و از آنجا به ساختمان دیگر انتقال یافته است.

اما عده‌ای دیگر رقص را مانند تمام هنرهای دیگر ناشی از مذاهب و اعتقادات دینی میدانند. باستان‌

شناسان با اعلامی که بر روی غارها بدست آورده اند چنین حدس زده‌اند که

رقص چیست؟

رقص هنر ایجاد زیبایی بوسیله حرکات است.

از این جهت رقص هم مانند شعر و نقاشی و موسیقی و مجسمه سازی جزو هنرهای زیباست.

هنرهای زیبا را دانشمندان به هنرهای مسور و مصوت تقسیم کرده رقص را از دسته اول دانسته‌اند.

استاد علی‌نقی وزیر در کتابی که پیرامون زیبایی‌شناسی در هنر و ادبیات نوشته رقص را اینطور تعریف کرده است:

«رقص از هنرهای مسور است و بواسطه لذتی که چشم از حرکات موزون و زیبای آدمی میبرد جزو هنرهای زیباست. حتی بسیاری معتقدند که ریشه و سرچشمه آنها است.»

رقص چگونه بوجود آمد؟

ریبو Ribot هنرشناس فرانسوی می‌گوید رقص مانند تمام هنرهای دیگر،



«میعاد ماه» رقص باله کلاسیکی که توسط تراورس کمپ روی والن اشتر اوس طراحی و توسط هنر جوان هنرستان ملی باله ایران اجرا شده است.

رقص ابتدا برای نیایش خداوندان انجام میگرفته است.

رقص‌های کیهانی **Cosmique** زاده فکر بشر اولیه به وجود یک قوه مافوق طبیعت بوده است. در این نوع رقص که یکی از ابتدائی ترین رقصهای بشر اولیه بشمار میرود اجداد ما با حرکات مخصوص بدن وضعیت اجرام سماوی را تقلید میکردند. از این گذشته در کشورهای باستانی مثل چین و ژاپن و حتی سرزمین افسانه‌ای هند رقص مستقیماً از اعتقادات مذهبی مردم مشتق بوده است.

سرگذشتی از رقص در جهان

هندیها و ژاپنیها شاید نخستین مردمی باشند که رقص را بعنوان یک هنر اصیل در زندگی بشر بکار بردند. فن ادای مقصود بوسیله کلمات (Pantomime) اولین بار توسط این مردم برای بیان وفاداری بخداوند بوجود آمد و تکامل یافت. در این نوع رقص، رقص با حرکات موزون بدن مقصود خویش را برای بینندگان شرح میداد و آنها را از فهم مقصود خویش شادمان میساخت.

مصریان ۶ هزار سال قبل از میلاد مسیح رقصهای مذهبی مخصوص داشتند که رقصهای مربوط به ستاره شناسی از همه آنها جالبتر مینمود. در یونان باستان نیز رقص ابتدا جنبه

مذهبی داشت. ولی رفته رفته رقصهای پهلوانی و سپس رقصهای شهوانی جایگزین آن شد. وقتی رومیها رقص را از مریبان یونانی خود آموختند آنرا وسیله تفریح خود قرار دادند و بزودی آنرا بجنبه شهوانی گشادند. در قرون وسطی رقص فونکسیون اجتماعی مهمتری پیدا کرد و آن تسلی خاطر مردم وحشت زده بود. دهقان بینوا بهنگام رقص اندوه خود را فراموش میکرد و ارباب برده فروش با اجرای آن نگرانی از دست دادن احتمالی قدرت خویش را از یاد میبرد...

در قرون جدید رقص تقریباً بهمان صورت های قرون وسطی وجود داشت رقصهای «پاوان» و «کایلارد» در میان نجبا و اشراف و رقصهای «ریگودون» و «تامبورن» در بین کشاورزان بسیار معروف و معمول بود...

از پادشاهانی که در تاریخ از رقص استقبال شایانی کردند لویی چهاردهم را باید نام برد که خود رقص بسیار ماهر بود. این پادشاه در سال ۱۶۶۱ «فرهنگستان پادشاهی رقص» را با همکاری ۱۳ استاد رقص تشکیل داد.

کاترین دوم در روسیه نخستین کسی بود که رقصهای ایتالیائی را بعنوان

آنتراکت در ضیافتها معمول کرد. از آن پس اینگونه رقصها بقدری در نمایشات و اپراها نفوذ کرد که دیگر نمایشی نبود که یک صحنه رقص در آن وجود نداشته باشد. در سال ۱۷۶۰ نوور **Noverre** استاد مسلم باله رقص را از جنبه ابتدالی آن رها ساخت و هیجان اولیه اش را با آن باز بخشید.

در دوره رمانتیک رقص نیز از تأثیر این مکتب برکنار نماند. باله رمانتیک بلافاصله ظهور کرد و یک چندی به اوج ترقی خود رسید ولی پس از ۲۰ سال در پرده فراموشی افتاد و تا اوایل قرن بیستم سر بلند نکرد. در سال ۱۹۰۰ میلادی مادام دونکان استاد آمریکائی رقص باله را از نو زنده کرد و بعداً فوشکین در روسیه، وولف دوماره در سوئد و مارتا گراهام در آمریکا این رقص را به عالیترین درجه تکامل خود رساندند.

بعوازت پیدائی و تکامل رقص باله در اروپا رقصهای تفریحی جدیدی نیز در این دیار بوجود آمد. در همان موقع که هنرمندان باله در اروپا می کوشیدند تا این رقص را تکمیل نمایند اشراف از کان اروپائی در کاخهای مجلل خود و اشراف قشنگی مرقصیدند. در نیمه دوم قرن نوزدهم با ظهور آهنگ سازانی نظیر

هنرچویان هنرستان ملی باله ایران هنگام تمرین رقص کلاسیک

اشتراوسها که آهنگ والس را به اوج شیوایی خود رساندند رقص والس نیز بی اندازه مورد توجه و علاقه عموم واقع شد.

تاریخچه رقص در ایران

تحقیقات هنرشناسان نشان داده که رقص در میان نخستین اقوامی که در سرزمین ماسکونت گزیدند، در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، وجود داشته است. تکه های کلی که در «سیالک» و «دوتپه» موسیان، (از نواحی شوش) بدست آمده حاوی نقوشی است که چند رقص را در حین اجرای رقص که بی شباهت به رقص محلی چوبی نیست نشان میدهد. حتی بسیاری عقیده دارند که رقص چوبی کردهای امروزی ما صورت تکامل یافته ای از رقص ایرانیان ۶ هزار سال قبل است که در عین حال دارای جنبه خاص مذهبی بوده است. در زمان هخامنشیان رقصهای دسته جمعی برای اجرای مراسم مذهبی در درتالارهای تخت جمشید انجام میشد. اما در دوره ساسانیان رقص بتدریج جنبه مذهبی خود را از دست داد و بصورت هنری از هنرهای زیبا درآمد پادشاهان ساسانی در مراسم عید نوروز رقصاتی را که از هندوستان دعوت نموده بودند شرکت میدادند



رقص

این رقصان با همکاری هنرمندان ایرانی همبستگی خاصی میان رقص فسانه ای هندیان با رقص های محلی ایران بوجود آوردند.

ظهور اسلام و توسعه سریع آن در مملکت ما رقص های دوره ساسانی را مانند تمام هنرهای دیگر موقتا از بین برد. گرچه با انقراض امپراطوری ساسانیان رقصان هنرمندی که در دربار ساسانیان وجود داشتند از میان رفتند معیناً هنر رقص بهیچوجه از سرزمین ما ریشه کن نشد. شاید مهمترین علت این باشد که رقص در بین ایرانیان جنبه ملی داشت و هنری نبود که صرفاً بستگی به دربارها داشته باشد. از اینجهت همانطور که ملیت ما در مقابل هجوم اعراب حفظ گردید رقص هم که از نمونه های پسندیده آن بشمار میرفت همچنان باقی ماند. منتها مثل تمام هنرهای دیگر از تأثیرات تمدن اسلامی برخوردار گردید.

رقص هایی را که در این دوره در کشور ما وجود داشت رویهمرفته سه دسته میتوان تقسیم کرد. اول رقص هایی که جنبه دینی و عرفانی داشته و بیشتر توسط صوفیان و درویشان انجام میشد. رقص هایی را که صوفیان در خاتقاء اجرا میکردند بسیار جالب و دارای مفاهیم عمیق عرفانی میباشد. در میان دراویش نیز مانند صوفیان رقص بیشتر جنبه سمبولیک داشت. هنگامیکه درویشی در حین رقص دست راست خود را بلند میکرد نیایش پروردگار را میسرساند، مابلند کردن دست چپ نفرت و انزجار خود را از کبیرهویهای زمانه آشکار میساخت و بالاخره با چرخشی که بدور خود میزد سفر آخرت را مجسم مینمود.

نوع دوم رقص های پهلوانی بود که از حماسه های ملی ما سرچشمه میگرفت.

در این نوع رقص رقصان که عموماً از جوانان ورزشکار بودند با اشعار رزمی فردوسی و نظامی که به وسیله مرشدی خوانده میشد طرز تفکر خاصی را که شاعر بیان کرده و معمولاً راجع به پرستش خداوند و بکار بردن نیروی انسانی در راه غلبه حق بر باطل بود نشان میدادند.

این نوع رقص بعدها منحصر به طبقه ورزشکاران شد و صرفاً در زورخانه های کشور ما به ترتیبی که



رقص های محلی از زیباترین و نشاط آورترین رقص های جامعه ما محسوب می شود. در این عکس هنرمندان گروه رقص های ملی و محلی در حین اجرای رقص ترکمنی دیده می شوند.

در جامعه ما معرفت (وشاید هواخواه) دارد. رقص های زنك، شاطری و باباکرم از این قبیل هستند.

۲- رقص کلاسیک

رقص کلاسیک چنانکه قبلاً هم ذکر کردید در اواسط دوره قاجاریه توسط هنرمندان خارجی به کشور ما وارد شد.

شاید مادام کرنلی را بتوان قدیمی ترین معلم باله در ایران محسوب نمود.

او ابتدا کلاس رقص خود را در تبریز تأسیس کرد و سپس به تهران آمد. در اثر استقبال مردم تهران از رقص باله

بویژه استقبال خانواده های تحصیل کرده که اطفال خود را از همسان اوان کودکی به این کلاسها میفرستادند رقص باله در تهران سرعت توسعه یافت و کلاسهای متعددی برای آموختن اصول آن تأسیس گردید. اما این کلاسها بجای باله کلاسیک رقص های ملی معالک دیگر (و معمولاً رقص های

روابط فرهنگی و هنری با معالک مغرب زمین رقص های اروپائیان نیز بایران وارد شد و مؤثر در استقبال ایرانیان قرار گرفت. بهترین ترتیب کلاس های رقص کلاسیک و مدون اروپائی که ابتدا بوسیله اتباع خارجی و بعداً توسط هموطنان مادر شهر تهران تأسیس گشت با استقبال زیاد شیفتگان مظاهر تمدن غرب رو به رو گردید.

انواع رقص در شهرها

تمام رقص هایی را که مردم ما با آن میرقصند میتوان به سه دسته زیر طبقه بندی کرد.

۱- رقص های ضربی

منظور از این نوع رقص رقص هایی است که اکثراً خانمها (و در مواردی آقایان) به آهنگ های ضربی ایرانی و معمولاً بصورت منفرد اجرا میکنند. این رقص ها بسیار ساده و شامل چند حرکت سروگردن و پا و کمراست که با آهنگ های ضربی قدیمی ایرانی بعمل می آید و بیش از هر رقص دیگری

امروزه هم معمول است اجرا میگردد. نوع سوم رقص های محلی بود که بیشتر جنبه فولکلوریک داشت. در این گونه رقص ها که بالباس های رنگارنگ و بخصوص اجرا میگردد بر خلاف رقص های صوفیان و رقص های پهلوانی، زنان نیز با مردان شرکت داشتند زیرا در جامعه دهات ما آن تحریم مذهبی مؤثری که زنان را دور از مردان نگاه دارد وجود نداشت.

بنظر میرسد که در این دوره رقص های دونفری زنان و مردان هم بترتیب خاصی وجود داشته است.

امروزه ما مدار کی در دست داریم که این حدس را تا حدودی تأیید میکند. مولانا میگوید:

یکدست جام باده و یکدست زلفیبار
رقصی چنین میانم میدانم آرزوست
و حافظ نیز صریحاً بوجود چنین رقصی اشاره میکند.

رقص بز شعر تر و ناله های خوش باشد
خاصه رقصی که در آن دست ننگاری گیرند
باطهور مشروطیت و گسترش

رقص



رقص های مدرن اروپائی در شهر ما طرفداران زیادی دارد.

از رقص های مدرن اروپائی که در شهر ما طرفداران بیشتری دارند میبایست رقص های تانگو - چاچاچا پاسادوبل-راک اند رول-سامبا-مامبو- والس و اخیرا چارلستون را نام برد.

فواید و مضرات رقص

بدون شك رقص دارای فواید بسیاری است. از نظر بهداشت جسمانی بکار انداختن بدن با نظم و ترتیبی که بر روی ریتم موسیقی استوار شده باشد فواید بهداشتی فراوانی دارد.

در هنگام رقص، وحتى در رقص های ملایم تانگو Slow نه تنها پاهای ما بلکه تمام انداممان در حرکت هستند و به فعالیت دستگام گوارش (بویره پس از صرف غذا) و تنظیم جریان خون کمک میکنند.

رقص اگر صرفاً بخاطر خود رقص و دور از جنبه های هوی و هوس بعمل آید یکی از بهترین و مناسبترین ورزشها خواهد بود.

رقص در زیبایی و پرورش اندام انسانی نیز اثرات مفیدی دارد. جمله معروف «هیچکس یک رقص چاق ندیده است» شاید بهترین دلیل این امر باشد که رقصان همیشه از زیبایی اندام و سلامتی جسم برخوردار بوده اند از این گذشته دردنیای پر جنجال امروزی رقص در تسکین اعصاب آدمی اثرات نیکوئی دارد.

تحقیقات دانشمندان نشان داده که رقص های منظم و ریتم دار پس از انجام کارهای روزانه باعث آرامش خاطر و تسکین اعصاب انسان میشود. خاصیت دیگر رقص اثر مفیدی است که روی روان انسانی دارد.

امروزه در علم روان پزشکی طریقه معالجه جدیدی بنام «پسیکو درام» بوجود آمده که بوسیله رقص کمپلکس ها و ناراحتی های روحی اشخاص را معالجه میکنند.

رقص هایی که بعنوان هوی و هوس بعمل می آید سبب انحرافات اخلاقی میگردد و در اینصورت شاید هیچ آفت اجتماعی خطرناکتر از اینگونه رقص ها خاصه برای جوانان ما نباشد. در شرایط خاص کنونی که اجتماع ما حالت بحرانی «جهش» را میگذراند رقص های مدرن اروپائی اگر بدون کمترین کنترل عقل بعمل آید جز فساد اخلاق نتیجه ای نخواهد داد.

۴. رقص های شرقی

منظور از رقص های شرقی رقص عربی و هندی است که بیشتر مورد علاقه افراد طبقه پائین اجتماع می باشد.

تکته ای را که باید متوجه بود این است که رقص عربی و هندی در جامعه ما روی اصول صحیح خود اجرا نمیشود و آنچه را در تهران بعنوان رقص عربی و یا هندی اجرا می کنند تقلید ناقصی از حرکات رقصه های شرقی است.

رقص های هندی و عربی در عالم هنر مقام ارجحندی دارد. رقصه عرب با حرکات تند و موزونی که متناسب با صدای طبل به بدن موزون خویش میدهد نمونه ای از احساسات عالی بشری را مجسم میسازد.

رقصه هندی نیز با رقص خیال انگیز خود کتابی را در چند حرکت تفسیر مینماید.

اما بدبختانه در جامعه ما این نوع رقص ها با تحریف ظالمانه ای صرفاً برای برانگیختن هیست ترین احساسات انسانی اجرا میگردد.

۵. رقص های مدرن اروپائی

رقص های مدرن اروپائی در جامعه ما گسترش عجیبی یافته است. روز بروز تعداد کلاسهای آموزش این رقص ها زیاد شده و بهمان نسبت نیز بر تعداد کسانی که بر رقص های فرنگی آشنا میگرددند افزوده میشود.

رقص های فرنگی در بین جوانان ما بیش از هر رقص دیگری هواخواه دارد.

بوسیله افراد معدلی انجام میشده است. متأسفانه رقص های محلی در شهرستان های مانفون کافی نیافته است بطوریکه بسیاری از مردم شهر نشین ایران از رقص های محلی خود بی اطلاعند. شاید دلیل این امر وجود اختلاف شدید بین فرهنگ دهائی ها با فرهنگ مردم شهر نشین بوده باشد.

از رقص های محلی معروف در کشور ما رقص محلی چوبی - فتح پاشائی - سه جازان (کردهستانی) - گراند چبی (بلوچی) - بیر آساق - شیخ خانی ورستم آبادی (آذربایجان غربی) - یک قرصه - بشکن بشکن - چپ و راست (خراسانی) و رقص ذکر (ترکمنی) را میتوان نام برد.

اخیراً در شهرستان ملی بشاله ایران دسته ای بنام (گروه رقص های ملی و محلی ایران) زیر نظر آقای نژاد احمد زاده رئیس هنرستان تشکیل شده است که ۲۰ نفر از با استعدادترین هنرجویان باله کلاسیک در آن شرکت دارند.

مسئولین این هنرستان ابتدا به اطراف ایران مسافرت کرده و از رقص های محلی ما فیالمبرداری می کنند و آهنگهای آنها نیز ضبط مینمایند.

آنگاه آنها مطابق اصول علمی رقص تنظیم کرده و توسط هنرجویان رسته خود اجرا مینمایند.

تشکیل گروه رقص های ملی و محلی یکی از اقدامات بسیار مفید هنرهای زیبای کشور در راه شناساندن رقص های ملی و محلی ما بخارجیان (حتی بخود ما) محسوب میشود.

محلی و ملی روسیه را بشاکردان خود میآموختند و علت آنهم این بود که از مفهوم باله کلاسیک اطلاع صحیحی نداشتند.

معهدا همین کلاسها خدمت بزرگی به هنر رقص کردند بدینمعنی که آنها از روی «خوش» به روی «سن» آوردند و تماشاچیان را اوداشتند که آکت و معقول روی صندلی بنشینند و برای رقص احترام مخصوصی قائل شوند.

در سال ۱۳۳۴ از طرف هنر - های زیبای کشور هنرستان باله ایران در شهر هاتامین شد و برای پرورش هنرمندانی در رشته باله کلاسیک بلافاصله شروع بکار کرد. تا سیر این هنرستان معلول یک احتیاج عمیق و مداوم بود که در شهر ما نسبت به باله کلاسیک حقیقی احساس میشد و هنرهای زیبای پاسخکوی آن شد. در این هنرستان استادان درجه یک باله جهان (از جمله آقای ویلیام دالر که یکی از مشهورترین استادان باله جهان میباشد) اصول صحیح باله کلاسیک را به هنرجویان این رشته میآموزند.

در حال حاضر در شهر ما نزدیک ۱۰۰۰ هنرجو به آموختن رقص باله اشتغال دارند. با در نظر گرفتن مشکلاتی که آموختن رقص های کلاسیک به همراه دارد بخوبی میتوان به استقبال زیاد مردم جامعه ما به این نوع رقص پی برد.

۴. رقص های محلی

رقص های محلی در کشور ما قدمت تاریخی زیادی دارد. اکثر رقص های محلی ما قرن های پیش بهمین ترتیبی که امروزه اجرا میشود